

بررسی اثرات صنعت گردشگری بر نابرابری درآمدی در کشورهای منتخب در حال توسعه

دکتر مهدی مصطفوی^۱، دکتر محمود هوشمند^۲، اکرم محقق^۳

چکیده

امروزه گردشگری به عنوان یکی از گستردۀ ترین فعالیت‌ها در بخش‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و خدماتی به شمار می‌آید. توسعه صنعت توریسم برای کشورهای در حال توسعه که با معضلاتی چون نرخ بیکاری بالا و محدودیت منابع ارزی مواجه هستند، از اهمیت فراوانی برخوردار است. از جمله مشکلات حاد موجود در این قبیل کشورها، نابرابری درآمدی می‌باشد لذا در این تحقیق به بررسی اثرات درآمدهای گردشگری بر نابرابری درآمد منتخبی از کشورهای در حال توسعه (با تأکید بر ایران) پرداخته می‌شود. برای این منظور از روش داده‌های تلفیقی جهت بررسی رابطه بین متغیرهای مورد نظر در طی دوره زمانی ۱۹۹۷-۲۰۰۹ استفاده شده است. نتایج مطالعه نشان دهنده آن است که درآمدهای ناشی از گردشگری تأثیر مثبت و معنی داری بر نابرابری درآمدی این مجموعه از کشورها داشته است. به گونه‌ای که افزایش یک درصدی درآمدهای گردشگری منجر به افزایش ۳ درصدی در نابرابری درآمد می‌شود.

کلید واژه‌ها: صنعت گردشگری، نابرابری درآمدی، دریافتی گردشگری بین‌الملل، کشورهای در حال توسعه، داده‌های تلفیقی

^۱ mostafavimahdi@yahoo.co.uk

استادیار گروه اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

^۲ M-hoshmand@ferdowsi.um.ac.ir

دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

^۳ A.mohaghegh67@gmail.com (۰۹۱۵۱۷۳۹۰۵۵) دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه:

گردشگری یکی از پدیده‌های اجتماعی- اقتصادی قابل توجه در قرن ۲۱ ام می‌باشد و تعداد روزافزونی از مقاصد گردشگری در توسعه صنعت گردشگری سرمایه گذاری کردند. گردشگری به عنوان یک محرك کلیدی در پیشرفت‌های اجتماعی و اقتصادی از طریق درآمد حاصل از صادرات، ایجاد مشاغل و توسعه زیر ساخت‌ها مطرح می‌باشد. نظر به جایگاه و اهمیت فراوان این صنعت در جهان و گسترش روزافزون تقاضا در بازار گردشگری جهانی، کشورهایی که از منابع مختلف تاریخی، فرهنگی، طبیعی و... برای جذب توریسم است برخوردارند با به کارگیری برنامه‌های گوناگون و اعمال روش‌های متفاوت تلاش می‌کنند تا سهم بیشتری از بازار جهانی توریسم را به خود اختصاص دهند. گردشگری به یکی از اقلام مهم تجارتی جهانی تبدیل شده است. درآمد صادراتی ایجاد شده از گردشگری به علاوه حمل و نقل مسافر در سراسر جهان، از ۱.۲ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۱ و یا به طور متوسط روزانه ۳.۴ میلیارد دلار، تجاوز کرده است. صادرات حاصل از گردشگری ۳۰ درصد از صادرات خدمات و ۶ درصد از صادرات کالا و خدمات جهان را به خود اختصاص داده است. به عنوان یکی از اقلام صادراتی، گردشگری در رتبه چهارم بعد از سوخت، مواد شیمیایی و مواد غذایی در سطح جهان قرار دارد. برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه، گردشگری یکی از مهم‌ترین منابع درآمد ارزی و اولین قلم از اقلام صادراتی آن‌ها می‌باشد و همچنین نیازهای شغلی و فرصت‌هایی برای توسعه در این کشورها ایجاد می‌کند. در ارتباط با توریسم و نابرابری درآمدی در بین محققان اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای از آن‌ها معتقدند که گسترش این صنعت نابرابری درآمدی را کاهش می‌دهد و توزیع درآمد را بهبود می‌بخشد (بلیک و همکاران، ۲۰۰۹). اما افرادی نیز (لی، ۲۰۰۸) معتقدند که در کشورهای مرتبط با صنعت توریسم، نابرابری درآمدی بزرگ‌تر از کشورهایی است که تأثیرپذیری کمتری از صنعت توریسم دارند. به علاوه نابرابری افزایش سریع‌تری در کشورهای وابسته به خدمات توریسم نسبت به بقیه کشورها دارد.

ادامه مقاله به صورت زیر سازماندهی می‌شود. بخش اول شامل مطالعات صورت گرفته مرتبط با موضوع تحقیق می‌باشد. در بخش دوم به مبانی نظری الگو می‌بردازیم. در قسمت سوم مقاله روش تحقیق، معرفی متغیرها، تعیین مدل تحقیق و برآورد مدل ارائه شده است و در انتها نتیجه گیری انجام شده است.

اکثر مطالعات داخلی به بررسی رابطه صنعت توریسم و رشد اقتصادی، تجارت و توسعه‌ی پایدار پرداخته‌اند و تعداد محدودی از مطالعات به رابطه صنعت توریسم و نابرابری درآمدی پرداخته‌اند. در ادامه تلاش می‌شود به مطالعات انجام شده مرتبط با موضوع پرداخته شود.

هدف از تحقیق صورت گرفته توسط صباغ کرمانی و امیریان (۱۳۷۹)، محاسبه اثرات اقتصادی توریسم در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. برای این منظور از روش تحلیل داده-ستانده استفاده شده است. در این روش، اثر مخارج توریست‌های خارجی بر تولید، درآمد، اشتغال، عواید دولت، توزیع درآمد و واردات محاسبه می‌گردد. نتایج نشان می‌دهد که فعالیت‌های هتل داری و رستوران، صنایع غذایی، صنایع پوشاک و چرم، صنایع دستی و صنعت حمل و نقل داخلی بیشترین تأثیر را پذیرفته و بیشترین سهم از تولید، درآمد و اشتغال ایجاد شده در اثر مخارج توریست‌های خارجی را به خود اختصاص می‌دهند. به علاوه، محاسبات نشان می‌دهد که توسعه توریسم در ایران باعث بهبود توزیع درآمد نیز خواهد شد. همچنین ضرایب فزاینده تولید، درآمد و اشتغال مربوط به بخش‌های مختلف اقتصادی نشان می‌دهد که بخش توریسم در ایران در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی از لحاظ ایجاد تولید، درآمد و اشتغال از اهمیت بالایی برخوردار است.

یوسفی پور (۱۳۷۹)، در مطالعه‌ای با عنوان نقش صنعت گردشگری در توسعه اقتصادی ایران و راه‌های گسترش آن، به مقایسه‌ی آماری بین درآمدهای گردشگری ایران و جهان پرداخته و نشان می‌دهد که سهم ایران از این درآمدها تنها یک درصد است و این امر حاکی از آن است که در برنامه‌های عمرانی و توسعه کشور به گردشگری توجه بسیار کمی شده است. علاوه بر این تراز درآمدی گردشگری در ایران نشان می‌دهد که از کسری زیادی برخوردار است و درآمدهای گردشگری حتی نیمی از هزینه‌های ان را پوشش نمی‌دهد.

صادقی و همکاران در مقاله "رابطه رشد اقتصادی با فقر و نابرابری درآمدی در کشورهای در حال توسعه" به دنبال پاسخ به این سوال بودند که رشد اقتصادی به تأثیری در کاهش نابرابری درآمدی و کاهش خط فقر دارد؟ بدین منظور با استفاده از داده‌های ترکیبی مقطعی-سربی زمانی در ۵۰ کشور در حال توسعه و توسعه یافته برای متوسط داده‌های سه دوره (۱۹۹۶-۱۹۹۳، ۲۰۰۰-۱۹۹۷، ۲۰۰۴-۲۰۰۱)، درجه اثر پذیری فقر و نابرابری درآمدی از رشد اقتصادی کشورها را مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر این بود که افزایش میزان رشد تولید ناخالص داخلی منجر به کاهش فقر و نابرابری درآمدی شده است.

توه و همکاران^۱ (۲۰۰۱)، به منظور بررسی رابطه بین مراحل توسعه یک کشور و وضعیت گردشگری آن، روش نظری تجاری جدیدی را معرفی کردند. فرض اساسی در این نظریه این است که بر اساس تراز مسافت، کشورهای کمتر توسعه یافته عموماً به وضعیت ابتدایی یا مرحله‌ای مقدماتی^۲ (صادر کننده خالص گردشگر) و کشورهای توسعه یافته به وضعیت نهایی یا مرحله نهایی^۳ (وارد کننده خالص گردشگر) نزدیک‌تر هستند.

¹ -Toh et al

² - Introductory Stage

³ - Decline Stage

آدامز و پیج^۱ (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای با استفاده از اطلاعات و آمار کشورهای در حال توسعه و با تفکیک کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا از طریق متغیر مجازی، به بررسی ارتباط فقر و نابرابری با رشد اقتصادی پرداختند. کشنش رشد و نابرابری درآمدی بر فقر در الگوی تصریحی محققان برای کشورهای نمونه در حال توسعه به ترتیب ۸۳۸ و ۲۰۳۶ گزارش شده است که بیانگر رابطه معکوس بین رشد اقتصادی و شاخص فقر (خط فقر ۱/۰۸ دلار برای هر نفر در روز) و ارتباط مستقیم نابرابری توزیع درآمد و فقر می‌باشد.

لی و همکاران^۲ (۲۰۰۸) به بررسی اثر صنعت توریسم بر مسئله نابرابری درآمدی در کشور آمریکا در سال ۲۰۰۰ و ۱۹۹۰ می‌پردازنند. آن‌ها با استفاده از روش تخمین GLS نشان می‌دهند که نابرابری درآمدی در کشورهای مرتبط با خدمات توریسم افزایش بیشتری نسبت به کشورهای غیر وابسته به خدمات توریسم دارد.

واتاناکولجاروس^۳ (۲۰۰۸) طی مقاله‌ای به اثرات رشد توریسم درون مرزی روی توزیع عوامل و درآمد خانوارها توجه می‌کند. به این منظور از الگوی تعادل عمومی کاربردی (AGE) برای تخمین استفاده گردیده و این نتیجه حاصل شده است که همه خانوارها سود می‌برند، اما خانوارها با درآمدهای بالا و خانوارهای غیر کشاورز بزرگ‌ترین برنده‌گان این مقوله هستند.

بلیک^۴ و همکاران (۲۰۰۹) با استفاده از مدل تعادل عمومی (CGE) به بررسی تأثیر گردشگری بر نابرابری درآمدی در کشور بزریل پرداختند. آن‌ها به این نتیجه دست یافتنند که منافع گردشگری بیشتر به افراد با درآمد پایین رسیده و منجر به توزیع برابر درآمد در این کشور می‌شود. آن‌ها همچنین به تجزیه و تحلیل‌های انجام شده در مدل‌های تعادل عمومی در کشورهای دیگر پرداخته و بیان می‌کنند که گردشگری در کاهش نابرابری درآمدی در استرالیا و اسپانیا موثر بوده است.

۲- مبانی نظری

توزیع درآمد در نظریه‌های اقتصاد دانان اهمیت ویژه‌ای داشته است. در اینجا به برخی از نظرات اقتصاددانان درباره توزیع درآمد اشاره می‌کنیم: اسمیت در نظریه توزیع ثروت، توزیع برابر درآمد ملی در جامعه را هم به نفع کارگران و هم به نفع سرمایه گذاران می‌داند (تفضیلی، ۱۳۸۳). ریکاردو بر این باور بود که تولیدات جامعه بین عامل‌های سه‌گانه تولید، یعنی زمین، نیروی کار و سرمایه، به صورت اجاره به عنوان سهم زمین داران، دستمزد به عنوان سهم نیروی کار و سود به عنوان سهم سرمایه داران از تولید تقسیم می‌شود و از نظر وی چگونگی تخصیص درآمد ناشی از تولید بسیار مهم است و چگونگی تقسیم تولید بین عامل‌های تولید در رشد و توسعه

¹ - Adamz & Page

² - Lee et al

³ - WattanaKulijarus

⁴ - Blake et al

اقتصادی نقشی مهم دارد(موسوی جهرمی،۱۳۷۵) و تا اوایل دهه ۱۹۹۰ اکثر قریب به اتفاق اقتصاددانان بر این عقیده بودند که نابرابری درآمد و ثروت انگیزه لازم برای اباحت سرمایه و رشد اقتصادی را فراهم می آورد که در این زمینه نظرات متعددی بیان شد که معروف‌ترین آن‌ها نظریه کوزنتس است. اما امروزه اقتصاد دنان به این نتیجه رسیده‌اند که نه تنها لازمه رشد اقتصادی (حتی در مرحله اولیه آن) توزیع نابرابر درآمدها و امکانات نیست بلکه برعکس، شرط تسريع در رشد اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه، توزیع عادلانه درآمدها^۱ و امکانات می‌باشد و این دو باید به موازات یکدیگر پیش روند تا تعادل بین رشد و توزیع عادلانه درآمد همواره برقرار گردد. از این رو اقتصاددانان توسعه شکاف عظیم درآمدی بین طبقات پایین و بالای جامعه در کشورهای توسعه نیافته را نه تنها به عنوان یک مزیت اقتصادی نمی‌دانند بلکه آن را مانع بر سر راه رشد و توسعه اقتصادی ذکر می‌کنند. به همین جهت همواره سعی گردیده تا عواملی که بر توزیع درآمد تأثیر می‌گذارد شناسایی گردند لیکن نایستی از نظر دور داشت که درآمدهای حاصل از گردشگری بین‌الملل نیز می‌تواند یکی از عوامل تأثیرگذار بر نابرابری درآمدی باشد. اصولاً سیاست‌های گردشگری باید به ارتقاء استانداردهای زندگی مردم مناطق مورد بازدید و رفع نیازهای آنان کمک کند. دستگاه متولی گردشگری و نهادهای دولتی باید اطلاعات لازم را در خصوص طرح‌های توسعه گردشگری در اختیار ساکنان قرار دهند(کاظمی،۱۳۸۵،۱۴۰). در حالی که گردشگری مزایای اقتصادی فراوانی به همراه دارد از قبیل: کمک به درآمد ارزی و تراز پرداخت‌ها، ایجاد اشتغال و درآمد، بهبود ساختارهای اقتصادی منطقه، تشویق فعالیت‌های کارآفرینی، کمک به توسعه منطقه‌ای، افزایش درآمد های مالیاتی (ونهوو^۲، ۲۰۰۵،۱۷۲) و افزایش درآمد و ایجاد فرصت‌های جدید شغلی می‌شود لکن این امکان وجود دارد که تورم و افزایش عمومی قیمت‌ها را به همراه داشته باشد و یا ممکن است موجب کمبود کالاهایی برای مردم بومی گردد، علاوه بر این فصلی بودن اغلب مشاغل این صنعت خود یکی از مهم‌ترین جنبه‌های منفی آن می‌باشد زیرا بسیاری از جاذبه‌های گردشگری به گونه‌ای هستند که در فصول و ایام خاص سال امکان بازدید یا استفاده از آن‌ها وجود دارد. هزینه فرصت‌ها نیز اشاره به هزینه پرداختن به فعالیت گردشگری به جای انجام اشکال دیگر فعالیت‌های اقتصادی دارد، برای مثال هزینه‌هایی که در منطقه‌ای ساحلی با پس کرانه‌ی عمدتاً روتایی به جای سرمایه گذاری در کشاورزی، باغبانی یا ماهیگیری صرف سرمایه گذاری در گردشگری می‌شود، از این نمونه است(موسون^۳، ۲۰۰۳).

با توجه به بیانات فوق، صنعت گردشگری دارای تأثیرات مثبت و منفی بر جامعه می‌باشد و در زمینه ارتباط بین گردشگری و نابرابری درآمدی در بین محققان اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای از آن‌ها معتقدند که گسترش این صنعت نابرابری درآمدی را کاهش می‌دهد و توزیع درآمد را بهبود می‌بخشد(بلیک^۴ و همکاران،۲۰۰۹). اما افرادی نیز (لی، ۲۰۰۸) معتقدند که در کشورهای مرتبط با صنعت توریسم، نابرابری درآمدی بزرگ‌تر از کشورهایی است که تأثیرپذیری کمتری از صنعت توریسم دارند. به

^۱- لازم به ذکر است که با توجه به عدم می‌کسان بودن فرصت‌ها و پذیرش حقوق مالکیت خصوصی، صحبت از توزیع درآمد می‌کسان موضوعیت ندارد. روشن است که چنین امری در هیچ اقتصادی تاکنون محقق نشده است، اما کم بودن فاصله طبقاتی، ویژگی یک اقتصاد سالم است. اقتصادی که فقط عده‌ی خاصی قادر هستند در آن درآمد کسب کنند و عده‌ی قابل توجهی هم در شرایط نامساعد به سر می‌برند، قطعاً یک اقتصاد سالم نیست.

² - Vanhove

³ - Mason

⁴ - Blake

علاوه نابرابری افزایش سریع تری در کشورهای وابسته به خدمات توریسم نسبت به بقیه کشورها دارد. علت این موضوع این است که با گسترش صنعت درآمد حاصل از آن به سمت گروههایی که فعالیتهای مرتبط با این صنعت را دارند بیشتر جریان پیدا کرده و توزیع درآمد حاصل از این صنعت بیشتر در دست افرادی است که خدمات مرتبط با صنعت توریسم را دارند، مثل فعالیتهای مربوط به خدمات هتلداری و رستوران‌ها، فعالیتهای مربوط به امور تفریحی و صنایع دستی و بومی، همچنین آژانس‌های مسافرتی و... پس در نتیجه نابرابری درآمدی در سطح کل جامعه افزایش می‌یابد (لی، ۲۰۰۸).

بلک و همچنین واتاناکولجروس معتقدند که اثرات توریسم روی همه گروههای درآمدی مثبت است اما خانوارها با درآمد پایین کمتر از گروههای درآمدی بالاتر سود می‌برند و این خود یکی از دلایلی است که توسعه‌ی این صنعت نابرابری درآمدی را افزایش می‌دهد.

اندازه تأثیر صنعت گردشگری بر مسأله فقر و نابرابری درآمدی کشور میزان به عوامل گوناگونی بستگی دارد، که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

-افزایش اشتغال خارجیان در صنعت گردشگری کشور میزان، به خروج درآمدهای عمده ایشان از کشور به سوی موطن خود منجر می‌شود. از این رو وجود کمتری در اقتصاد کشور میزان جریان می‌یابد و از اثرگذاری گردشگری بر فقر و نابرابری درآمدی کاسته می‌شود.

-اگر منابعی که صرف ارائه خدمات و محصولات صنعت گردشگری در کشور میزان شده‌اند، متعلق به این کشور باشد، یا به عبارت دیگر این کشور در تولید و عرضه محصولات گردشگری خود متکی باشد، آن گاه بخش قابل توجهی از وجودی که گردشگران در آن هزینه می‌کنند، باید برای تأمین این منابع مجدداً از کشور خارج شود. از این رو هرچه درجه خود اتکایی صنعت گردشگری کشور میزان بالاتر باشد درجه تأثیرگذاری فعالیتهای مرتبط با این صنعت در اقتصاد ملی و منطقه‌ای بیشتر خواهد بود.

-هر اندازه در اقتصاد ملی کشور میزان گردشگری بزرگ‌تر باشد و سهم این صنعت در مجموع فعالیتهای اقتصادی کشور و به تعبیر دقیق‌تر اقتصادی، سهم ارزش افزوده‌ی صنعت توریسم در تولید ناخالص ملی قابل توجه تر باشد؛ که به طور متعارف این امر در اقتصادهای کوچک خود را نشان می‌دهد؛ آن گاه درجه تأثیرگذاری تحولات در صنعت گردشگری بر فقر و نابرابری درآمدی بیشتر خواهد بود.

-جامعه‌ی توسعه یافته تر، دارای زیرساخت‌های مناسب‌تری است. در چنین جامعه‌ای صنعت گردشگری با دیگر صنایع از تعامل بیشتر و منطقی‌تر برخوردار است. از این رو درجه توسعه یافته‌ی کشور میزان با میزان تأثیرگذاری صنعت توریسم بر مسأله فقر و نابرابری درآمدی آن رابطه‌ی مستقیم دارد.

-همچنین این که گردشگران در کشور میزان چقدر و چگونه پول خرج می‌کنند نیز بر درجه تأثیرگذاری صنعت توریسم بر

مسئله فقر و نابرابری درآمدی آن کشور موثر است. نکته‌ی مهم در اینجا تأکید بر دو ویژگی مهم کشور میزبان از نظر هزینه‌های گردشگران است. نخست این که هرچه مجموع مبالغی که گردشگران در کشور میزبان هزینه می‌کنند بیشتر باشد، صنعت گردشگری تأثیرات قابل توجه تری بر اقتصاد این کشور بر جای می‌گذارد. ویژگی دوم آن است که هر توریست تا چه اندازه پول در کشور میزبان هزینه می‌کند. در واقع موضوع شدت هزینه‌های گردشگران به توانایی کشور میزبان در واداشتن گردشگران به پول خرج کردن وابسته است. به عبارت دیگر، موضوع هزینه کردن از سوی گردشگران به حدود امکانات و تنوع جاذبیت‌های مرتبط می‌شود. این امر، موجب گسترش حجم فعالیتهای اقتصادی مرتبط با توریسم در کشور میزبان می‌شود و بر درجه تأثیرگذاری این صنعت در مسئله فقر و نابرابری درآمدی کشور میزبان تأثیری مستقیم بر جای می‌گذارد.

از سوی دیگر، توسعه‌ی صنعت گردشگری با هدف تبدیل آن به بخش اصلی اقتصاد، با مشکلات و تردیدهایی رو به روست. اهم این موارد را می‌توان چنین خلاصه کرد:

-موضوع وابستگی اقتصادی به یک صنعت یا بخش اقتصادی از مشکلات عمومی کشورهای اعضای اوپک به صادرات نفت، کوبایه شکر، اکوادور به موز، شیلی به مس و نظایر آن همواره از عوامل تهدید کننده این اقتصادها و نقطه ضربه پذیر آن‌ها به حساب می‌آید. وابستگی کامل اقتصاد یک کشور به گردشگری نیز از این موضوع مبرا نیست. به گونه‌های نمونه‌هایی از قبیل قبرس و مالدیو را می‌توان یافت که گردشگری بخش اصلی اقتصاد آن‌هاست و ضربات واردہ به این بخش، می‌تواند کل اقتصاد را تحت تأثیر قرار دهد.

-صنعت گردشگری، صنعت فصلی به حساب می‌آید و اشتغال فصلی، نقش مهمی در مجموع اشتغال در این صنعت دارد. برای اینکه گردشگری بتواند تأثیر بیشتری بر مسئله فقر و نابرابری کشور میزبان بگذارد، باید از درجه فصلی بودن گردشگری در کشور میزبان کاسته شود.

-ریشه‌های تقاضا برای بازدید از یک کشور در خارج از آن شکل می‌گیرد. درجه‌ی توفیق فعالیت‌های گردشگری در برخی از کشورهای میزبان، تا حدود زیادی تابع روند فعالیت‌های اقتصادی در کشورهای مبدأ گردشگران است و کشور میزبان کنترل چندانی بر آن نخواهد داشت.

۳- مدل تحقیق

۱- روش تحقیق، معرفی متغیرها و تعیین مدل

با توجه به اینکه در این زمینه اطلاعات و داده‌های آماری بسیار محدود وجود دارد (داده‌های ضریب جینی که متدائل ترین و مشهورترین شاخص اندازه گیری نابرابری توزیع درآمد می‌باشد)، لذا تحلیل این موضوع به روش سری زمانی تقریباً امکان پذیر نیست.

برای رفع این مسأله تحلیل داده‌های پانل معرفی شده است که در این مقاله نیز از این روش استفاده می‌شود. از دیدگاه گردشگری، کشورهای کمتر توسعه یافته به عنوان مقصد، اهمیت بسیار زیادی دارند. مسافت به (و در داخل) جهان در حال توسعه با آهنگ سریعی در حال رشد کردن است به طوری که از نرخ رشد گردشگری در کشورهای توسعه یافته بیشتر است (دالن جی و جیان پی، ۱۸:۱۳۸۹). از این رو فقط کشورهای در حال توسعه برای این تحلیل انتخاب شده‌اند که در این میان نیز با توجه به اطلاعات و داده‌های آماری موجود، ۱۴ کشور در حال توسعه^۱ را در دوره زمانی ۲۰۰۹-۱۹۹۷، به صورت پانل در نظر گرفتیم و مدل تخمین زده می‌شود. داده‌های مورد استفاده در این تحقیق از سایت بانک جهانی استخراج گردیده است.

مهم‌ترین سوال در این تحقیق آن است که دریافتی گردشگری بین‌الملل چه تأثیری بر نابرابری درآمدی دارد؟ در کنار متغیر دریافتی گردشگری بین‌الملل (TOU)، از متغیرهای کنترلی تولید ناخالص داخلی سرانه (GDP) و نسبت صادرات و واردات به کل (OPEN)GDP، با توجه به مطالعات پیشین و مبانی نظری بیان شده، استفاده گردیده است. بنابراین مدل مورد نظر به صورت زیر است:

$$GINI_{it} = \beta_{it} + \beta_1 TOU_{it} + \beta_2 GDP_{it} + \beta_3 OPEN_{it} + \mu_{it}$$

لازم به ذکر است با توجه به تصریح بهتر فرم لگاریتمی، مدل به صورت لگاریتمی ارائه خواهد شد. این مدل از این مزیت برخوردار است، که می‌توان کشش متغیر وابسته را نسبت به هر یک از متغیرهای مستقل به دست آورد.

۲-۳- برآورد مدل:

الگوی داده‌های تابلویی یکی از موضوعات جدید و کاربردی در اقتصادستنجه می‌باشد، چرا که داده‌های تابلویی یک محیط بسیار غنی از اطلاعات را برای گسترش روش‌های برآورد فراهم می‌آورد. با توجه به محدودیت تحلیل‌های سری زمانی و لحاظ نشدن پویایی متغیرها در داده‌های مقطعی، می‌توان با استفاده از روش داده‌های مقطعی-سری زمانی دامنه تحقیقات را گسترش داده و به اغلب محدودیت‌های آماری در داده‌های مقطعی و سری زمانی فائق آمد.

شکل کلی الگوی داده‌های تابلویی به صورت زیر می‌باشد:

$$Y_{it} = \alpha + X'\beta + \dots + U_{it}$$

$$i = 1, 2, \dots, N; \quad t = 1, 2, \dots, T$$

¹ - Chile, Costa Rica, Colombia, Guatemala, Iran, Jamaica, Jordon, Panama, Peru, Philippines, Pakistan, South Africa, Uruguay, Venezuela

در این الگو آ بیانگر اشخاص، بنگاهها و کشورها و... است و t بیانگر زمان است. بنابراین t نشان دهنده بعد مقطع و t نشان دهنده بعد سری زمانی است. Y_{it} ماتریسی در ابعاد $I \times NT$ ، X ماتریسی در ابعاد $K \times NT$ و β نیز، برداری به ابعاد $I \times K$ است. در اینجا K تعداد متغیرهای توضیحی موجود در X_{it} می‌باشد. همچنین فرض می‌شود که حداکثر N واحد مقطعی و T دوره زمانی وجود دارد.

انواع روش‌های برآورده به سه دسته کلی تقسیم می‌شود که عبارتند از روش داده‌های ترکیبی^۱، روش اثرات ثابت^۲ و روش اثرات تصادفی^۳. جهت تشخیص این که روش مناسب تخمین اثرات ثابت است یا تصادفی از آزمون هاسمن^۴ استفاده می‌کنیم. فرض صفر در آزمون هاسمن عدم همبستگی میان اجزاء اخلاق غیرقابل مشاهده در مدل و متغیرهای توضیحی است. در این آزمون وجود اثرات تصادفی در مقابل اثرات ثابت مقایسه می‌شود. بنابراین در صورت رد فرض صفر مناسب‌ترین روش جهت تخمین مدل روش اثرات ثابت می‌باشد ولی چنانچه این فرض تأیید شود روش اثرات تصادفی به عنوان روش مناسب تشخیص داده خواهد شد. آماره این آزمون دارای توزیع χ^2 با درجه آزادی K می‌باشد (بالاتاجی، ۲۰۰۸: ۱۱۰).

برای تعیین یک طرفه یا دوطرفه بودن داده‌های تابلویی از آزمون بروش و پاگان^۵ استفاده می‌شود. در این آزمون مشخص می‌گردد که آیا مدل داده‌های تابلویی یک طرفه است یا دو طرفه؟ و اگر یک طرفه است از نوع فرد است یا زمان؟

بر این اساس نتایج حاصل از آزمون‌های عنوان شده که توسط نرم افزار stata11 محاسبه گردیده در جدول شماره (۱) قابل مشاهده است. با توجه به نتایج آزمون‌های صورت گرفته مدل داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی یک طرفه از نوع زمان برگزیده شده است. نتایج برآورد مدل مناسب با استفاده از نرم افزار Eviews7 در جدول شماره (۲) ارائه گردیده است.

جدول(۱): آزمون‌های انجام شده برای انتخاب الگوی مناسب

P-value	مقدار آماره	آزمون‌ها
* < 0.10	۶/۱۳	آزمون هاسمن
*** < 0.001	۱۴۶/۴۱ ((از نوع زمان))	آزمون بروش - پاگان
۰/۲۸	۱/۱۴ ((از نوع فرد))	

1- Pooled data

2- Fixed effects

3- Random effects

⁴ - Hausman test

1- The Breusch & Pagan test

منبع: محاسبات تحقیق. (**فرضیه صفر پذیرفته می‌شود. **فرضیه صفر پذیرفته نمی‌شود.)

جدول (۲): نتایج برآورد مدل

نام متغیر	ضرایب برآورده شده	آماره ^t	سطح معنی داری
LTOU	۰/۰۳	۱/۹۸	*۰/۰۵
LGDP	۰/۱۲	۵/۷۰	**۰/۰۰
LOPEN	-۰/۰۲	-۰/۷۴	۰/۴۵
عرض از مبدأ	۰/۸۹	۴/۴۴	۰۰۰

منبع: محاسبات تحقیق (*معنی داری در سطح ۱۰٪، ** معنی داری در سطح ۵٪)

۴-نتیجه گیری و پیشنهادات

متغیر LTOU بیانگر لگاریتم دریافتی گردشگری بین‌الملل می‌باشد و از لحاظ آماری معنی دار و دارای علامت مثبت می‌باشد بدین معنی که با افزایش یک درصدی در این متغیر، ضریب جینی ۳ درصد افزایش می‌یابد. با افزایش دریافتی گردشگری که نمادی از صنعت توریسم می‌باشد، درآمد در دست گروههایی که خدمات وابسته به این صنعت را دارند افزایش می‌یابد. با توجه به اینکه در کشورهای در حال توسعه هنوز برنامه‌های منسجم و کاملی برای مشارکت افراد با درآمد پایین در صنعت گردشگری اعمال نشده است، اغلب افراد این حرفه کسانی هستند که دارای موقعیت اقتصادی مناسبی می‌باشند در نتیجه نابرابری درآمدی بیشتر می‌باشد.

متغیر LGDP لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه می‌باشد. همان طور که در جدول (۲) مشاهده می‌کنیم، ضریب این متغیر مثبت و از لحاظ آماری معنی دار می‌باشد. با توجه به بیانات سیمون کوزنتس در سال ۱۹۹۵، در مسیر توسعه اقتصادی هر کشوری، نابرابری درآمدی ابتدا افزایش یافته و پس از ثابت ماندن در سطح معینی به تدریج کاهش می‌یابد. پس علت افزایش نابرابری در کشورهای در حال توسعه با افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه طبق این نظریه توجیه دارد (با توجه به اینکه این متغیر توان دوم یا سوم تولید ناخالص داخلی سرانه نمی‌باشد). البته بر اساس مبانی نظری بیان شده در قسمت‌های قبلی، عده‌ای به ارتباط مثبت بین نابرابری درآمدی و تولید ناخالص داخلی اشاره کرده‌اند.

متغیر *LOPEN* بیانگر لگاریتم نسبت صادرات و واردات به کل *GDP* است و به عنوان شاخص درجه‌ی باز بودن اقتصاد مورد استفاده قرار می‌گیرد. همان طور که مشاهده می‌شود ضریب این متغیر از لحاظ آماری معنی دار نیست. به دلیل اینکه کشورهای منتخب در حال توسعه هستند، احتمالاً از فرآیند ادغام در بازارهای جهانی عقب مانده‌اند و به تبع آن نیز نمی‌توان تغییر در ضریب جینی و نابرابری درآمدی را به فرآیند جهانی شدن نسبت داد.

به دلیل اینکه این صنعت بنا به دلایلی که بیان شد باعث توزیع نابرابر درآمد می‌شود بایستی در کنار توسعه این صنعت، ساز و کارها و نهادها و سازمان‌هایی در نظر گرفت که توزیع درآمد حاصل از این صنعت را کنترل کنند و بهبود بخشنند.

برای اینکه گردشگری سبب توسعه اقتصادی شود و مزایایی برای مردم فقر ایجاد نماید، باید از منابع پولی، انسانی، طبیعی به صورت کارآمد در این جهت استفاده گردد و تحقیقات صورت گرفته در این زمینه توسط کشورهای در حال توسعه بیشتر مورد توجه قرار گیرد. در واقع فقدان تجزیه و تحلیل‌های تجربی در زمینه ارتباط بین گردشگری و کاهش فقر و نابرابری منجر می‌شود که در سیاست گذاری‌ها و تصمیمات سیاسی نتوان از این نتایج استفاده نمود.

با توجه به اینکه توسعه صنعت گردشگری در کوتاه مدت تأثیر زیادی بر درآمدهای دولت نخواهد گذاشت، بایستی با برنامه توسعه گردشگری در برنامه‌های بلند مدت توسعه اقتصادی، سیاست گذاری‌ها صورت گیرد تا بدین ترتیب دولت بتواند با افزایش درآمدهای خود از این طریق، برنامه‌های فقر زدایی را به صورت موفق اجرا کند.

بررسی نحوه توسعه موزون صنایع و خدمات مرتبط با صنعت توریسم هم گام با توسعه این صنعت گام دیگر در این راستا محسوب می‌شود.

منابع و مأخذ:

- تفضلی، فریدون (۱۳۸۳)؛ تاریخ عقاید اقتصادی، تهران: نشر نی.
- دالن جی، تیموشی و جیان پی، نیاپان (۱۳۸۹)؛ میراث فرهنگی و گردشگری در کشورهای در حال توسعه. مترجمین: دکتر اکبر پور فرج و جعفر باپیری. چاپ اول. تهران: مهکامه.
- صادقی، حسین؛ باسخا، مهدی و شفاقی شهری، وحید، رابطه رشد اقتصادی با نابرابری درآمدی و فقر در کشورهای در حال توسعه، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۳، ۲۷-۴۴.
- صباح کرمانی، مجید؛ امیریان، سعید (۱۳۷۹)؛ «بررسی اثرات اقتصادی توریسم در جمهوری اسلامی ایران (با استفاده از تحلیل داده-ستانده)». پژوهش‌های بازارگانی، ۸۳-۵۷.

- کاظمی، مهدی. (۱۳۸۵). مدیریت گردشگری. تهران: سمت.

- لی، جان (۱۳۷۸)؛ گردشگری و توسعه در جهان سوم، مترجم: عبدالرضا افتخاری و دیگران. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.

- موسوی جهرمی، یگانه (۱۳۷۵)؛ توسعه اقتصادی و برنامه ریزی، تهران: دانشگاه پیام نور

- Adams, R. and Page, J. (2003), *Holding the line: poverty reduction in the Middle East and North Africa, 1970-2000. Paper Presented at the Annual Conference of the Economic Research from the Arab Countries, Iran and Turkey. Bahrain 2002.*

- Baltaji, B. H. (2009). *Econometric Analysis of Panel Data, forth edition, john wiley & sons.*

- Blake, Adam, Jorge Saba Arbache, M. The Sinclair, and Vladimir Kuhl Teles. 2009. *Tourism and poverty Relief. Escola de Economia de Sao Paulo.*

- Lee S. 2008. *Income inequality in tourism services- dependent countries. Published In Current Issues in Tourism, School Of Exercise, Leisure, and Sport, Kent State University, Kent. OH, USA, Vol2, 33-45.*

- Mason, P. (2003). *Tourism, Impact, Planning and Management. Butterworth Heinemann. WCED(World Commission on Environment and Development (1987) our Common Future. Oxford: Oxford University Press.*

- Toh R. S, khan H, Koh A. J. 2001. *A Travel blance approach for examining tourism area life cycles: the case of Singapore. Journal of Travel esearch, No. 39, P. 426-432.*

- Vanhove, N.(2005). *Economics of Tourism Destinations. Butterworth-Heinemann.*

- Wattanakuljarus A. & Coxhead I . 2008 ,« Is tourism-based development good for the poor? a general equilibrium analysis for thailand» . *Journal Of Policy Modeling* 30, 929-955